

هشتم مارچ:

روز بزرگداشت از مبارزات زنان و تجدید میثاق مبارزاتی

روز جهانی زن ریشه در جنبش کارگری و نهضت کمونیستی دارد. دلیل انتخاب چنین روزی (روز جهانی زن)، "بزرگداشت از مبارزات وسیع زنان کارگر امریکا در سال های ۱۸۵۷، ۱۹۰۸ و ۱۹۰۹ بود". در سال ۱۹۰۸ حدود ۱۵ هزار زن کارگر در شهر نیویورک راهپیمائی کرده و خواهان ساعات کار کمتر، حقوق بیشتر و حق رأی شدند. حزب سوسیالیست امریکا، یک سال بعد از این راهپیمائی، اولین روز جهانی زن را اعلام کرد.

مبتکر جهانی شدن این روز، زن سوسیالیستی به نام کلارا زتکین بود. او این پیشنهاد را در سال ۱۹۱۰ در کنفرانس جهانی زنان کارگر در کپنهاگ مطرح کرد. در این کنفرانس ۱۰۰ زن از ۱۷ کشور جهان حضور داشتند که همگی به اتفاق آراء با پیشنهاد او موافقت کردند. یک سال بعد، اولین بزرگداشت این روز در سال ۱۹۱۱ توسط زنان در اتریش، دانمارک، المان و سوئیس برگزار شد.

از همان سال به بعد، این زنان سوسیالیست پیشرو نظیر کلارا زتکین ضمن این ابتکار، زنان کارگر و دهقان و توده های زنان را در مبارزه علیه استثمار، ستم، سرکوب و جنگ امپریالیستی متحد و بسیج کردند.

این روز در سال ۱۹۱۷ مطابق تقویم جدید در ۸ مارچ با اعتصاب زنان روسیه در زمان جنگ برای "نان و صلح"، شکل رسمی به خود گرفت. پس از پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر ۱۹۱۷ روسیه و تشکیل کمیتن، این مجمع بزرگ بین المللی نیز بر تجلیل از مبارزات زنان کارگر در روز هشتم مارچ موافقت کرد.

از آن زمان هر سال از این روز به عنوان نماد مبارزاتی و روز ابراز وجود زنان کارگر و مبارز دنیا توسط نهاد های زنان، نیرو های مترقی و به طور خاص احزاب و سازمان های کمونیستی جهان بزرگداشت به عمل آمده است. هر چند این روز توسط سازمان ملل متحد و دول عضو این سازمان جهانی به رسمیت شناخته شده است، اما درک و دریافت از روز هشت مارچ در میان نیرو های سیاسی - طبقاتی و مردان و زنان جهان، یکسان نیست.

ستم بر زنان و موقعیت بی حقوقی و فرودستی زنان نه همزاد انسان، بلکه پدیده ایست تاریخی. موقعیت ستمکشی زنان و فرودستی تاریخی آنان در جریان تکامل تاریخی جوامع انسانی به شمول جامعه افغانستان، نیز زاده مالکیت خصوصی و تقسیم اجتماعی کار بوده است. به موازات حفظ و تداوم مالکیت خصوصی طبقاتی و به رغم جا به جایی نظام های تاریخی مبتنی بر مالکیت خصوصی؛ شرایط فرودستی زنان در جامعه طبقاتی و اعمال ستم مضاعف بر زنان، توسط عناصر روبنائی مثل سنت های خرافی و پوسیده، فرهنگ مردسالار، نیروی عادت و ابزار و نهاد ارتجاعی دینی - مذهبی و قوانین موضوعه، باز تولید شده است. در طول تاریخ این عوامل روبنائی سیاسی، حقوقی، قضائی و فرهنگی - ایدئولوژیک در دست طبقات حاکمه و نمایندگان مردسالار آن برای استحکام استیلای مردان بر زنان، تداوم و تشدید ستم و استثمار و تحمیق معنوی زحمتکشان زن و مرد، به کار گرفته شده است.

زمینه های ستمکشی، بی حقوق و فرودستی زنان تحت ستم مضاعف افغانستان نیز پدیده ای است تاریخی و از آن سوی قرون می آید. این ستمکشی در درازنای تاریخی از عهد باستان تا امارت اسلامی کنونی طالبان، زاده استمرار

مالکیت خصوصی طبقاتی و تقسیم اجتماعی کار بوده است. ابزار و نهاد های روبنائی فرهنگی — ایدئولوژیک از قبیل سنت های خرافی و پوسیده، فرهنگ مردسالار، نیروی عادت و ابزار و سیطره ایدئولوژیک فئودالیسم در شکل دین اسلام، قوانین و لوایح شرعی و نهاد های ارتجاعی دینی — مذهبی و... در خدمت چنین فرودستی و بی حقوقی بوده، آن را توجیه و تقدیس کرده، قانونی و نورم جلوه داده و توأم با عامل اقتصادی فرودستی زن در جامعه ناشی از ادامه تقسیم اجتماعی کار؛ در مقاطعی (مثل مقطع کنونی حاکمیت زن ستیز فاشیست های طالبانی) ستم و استثمار بر زنان را تشدید کرده و در کلیت مسأله، شرایط استمرار آن را باز تولید کرده است.

هشتم مارچ، روز جهانی زن در حالی فرا می رسد که زنان زحمتکش و بی حقوق افغانستان تحت فشار انواع ستم جنسیتی، ستم طبقاتی، ستم امپریالیستی در موقعیت نومستمراتی کشور، ستم مذهبی و ستم ناشی از فرهنگ مردسالار و آداب و رسوم فرتوت اعمال شده توسط سیستم ارتجاعی پوسیده و فاشیست های طالبی، قرار دارند. فاشیست ها و شوونیست های زن ستیز اسلامی طالبی با فرستادن زنان به چهاردیواری خانه، نیمه بشریت را زندانی ساخته اند. رویکرد سراپا ارتجاعی، خصمانه و ضد انسانی ارتجاع هار طالبی در قبال زنان و دختران کشور ما، حقوق و مسائل آنان؛ رویکردی هول انگیز فاشیستی، زن ستیز، تبعیض آمیز و از نوع اپارتاید جنسیتی است. گروه متحجر و امارت مرتجع اسلامی خودفروختگان طالبان برای زندانی ساختن، نفی، انکار و به حاشیه راندن نیم جمعیت کشور، علاوه از عامل اقتصادی این به حاشیه رانده شدن زنان (بیکاری گسترده) و شلاق و سرکوب و بند و زندان و شکنجه و گرفتن اعتراف اجباری از زنان و دختران افغان؛ از عناصر روبنائی مثل سنت های خرافی و پوسیده قبیله ئی که محدودیت تاریخی آن، سطح گسترده آزادی های مدنی و دستاورد های فرهنگی امروزی را بر نمی تابد و با مظاهر فرهنگی جدید بیگانه است؛ فرهنگ مردسالار، نیروی عادت و ابزار و نهاد های به غایت پوسیده و ارتجاعی دینی — مذهبی اسلامی کار می گیرند تا این به حاشیه راندن زنان کشور ما را رسمیت و استمرار بخشند.

زنان مظلوم و دربند افغانستان در تحت حاکمیت ارتجاعی مزدوران شریر طالبان با رویکرد شوونیستی این گروه مافوق ارتجاعی و بیگانه پرست در قبال زنان و دختران افغان، با دره و سنگسار و محاکم صحرانی و سیطره فکری ایدئولوژی زن ستیز و ارتجاعی اسلامی ارتجاع هار طالبی، فرهنگ مردسالار نهادینه شده در امتداد قرون؛ در بی حقوق ترین موقعیت و در زندان حجاب اجباری و حصار خانه بیش ترین ستم، تعدی و تجاوز به حقوق انسانی و تن و روان شان را متحمل می شوند و با فقر فراگیر دست به گریبان اند.

بورژوازی ریاکار امپریالیستی در عین زد و بند با ارتجاع افراطی از جنس مزدوران خون آشام طالبی و داعشی و در حال مرادده با امارت اسلامی طالبان، به منظور ایجاد شکاف، انشقاق و انشعاب در جنبش طبقه کارگر، به طور عام نسخه های فمینیسم بورژوائی و خرده بورژوائی را با پول و لیبرالیسم بورژوائی به میدان می فرستد. در موارد دیگر، همین بورژوازی طالب پرور برای به انحراف کشاندن و یا تضعیف پوتانسیل جنبش مستقل ملی — دموکراتیک متضمن داعیه آزادی زنان در کشور های تحت سلطه، گاهی از موضع قدرت (طی ۲۰ سال اشغال کشور ما) یا زمانی از موضع مخالفت (مثل دوران کنونی سیطره خونین و اعمال اپارتاید جنسیتی اسلامی ارتجاع طالب) مزدورانی چند از میان زنان طبقه حاکمه یا زنانی دست چین شده از میان مزدوران "مدنی" امپریالیسم را در نقش قیم زنان دربند و ستمکش افغانستان به روی ستیز های رنگین کنفرانس های امپریالیستی — ارتجاعی می فرستد. این وعده های رنگین بورژوازی امپریالیستی و خرام مدنی فمینیسم و مزدوران مدنی امپریالیسم مبنی بر آزادی زنان، سرابی بیش نیست.

ستمکشی زنان پدیده ایست تاریخی که با مالکیت خصوصی، تداوم تقسیم کار، سیطره مردان بر زنان در خانواده و کل جامعه و سیادت اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک طبقات حاکم گره خورده است و حاصل یک نظم معین امپریالیستی —

ارتجاعی است. پس رهائی زنان، تغییر موقعیت فرودست آنها و خشکاندن ریشه های ستمکشی و بی حقوقی زنان در کل و به ویژه زنان زحمتکش و مولد، عبارت از وارونه ساختن این نظم کهن در کلیت آن است.

امارت مرتجع اسلامی طالبان در افغانستان با نسخه طالبی ایدئولوژی سنگ شده هول انگیز و محافظه کار اسلامی اش، ابزار سیادت طبقاتی طبقات به غایت مرتجع حاکم فئودال و بورژوا - کمپرادور و پشتوانه امپریالیستی - ارتجاعی این دو طبقه ضد انقلابی است. در تحت این سیطره فاشیستی، شوونیستی و تمامیتخواه نماینده رسمی ارتجاع حاکم کشور، همه عرصه های زیربنائی و روبنائی حیات اجتماعی خلق تحت ستم افغانستان - به شمول نیمه ای از آسمان - آماج تهاجم همه جانبه فاشیستی قرار گرفته است. داعیه زنان کشور برای برابری اجتماعی و احراز حقوق برابر با مردان به طور عام و رهائی اجتماعی زنان تحت ستم و استثمار در کشور ما از توحش امارت اسلامی طالبانی و انواع ستم، بخشی از برنامه مبارزاتی و چشم انداز رهائی طبقات و اقشار زحمتکش تحت ستم و استثمار جامعه ما است. رهائی ملی و اجتماعی ستمکشان کشور ما با طرد و واژگونی سیطره قهار و خونین ارتجاع طالبی و برچیدن سلطه غیرمستقیم مراکز متعدد ارتجاعی - استعماری بیرونی در وجود آن، تحقق یافتنی است.

بناءً، بدون توهم و اغتشاش آفرینی، رهائی اجتماعی و تاریخی زنان و مردان مربوط به طبقات و اقشار زحمتکش خلق و کسب امتیازات تاریخی توسط زنان بی حقوق افغان، فقط از مسیرت مارش شورانگیز تاریخی کلیه ستمکشان و استثمارشدگان جامعه با کاربرد ابزار معجزه آسای انقلابی در زیر درفش قرمزین اندیشه زنجیرگسل و رهائیبخش سوسیالیسم علمی به رهبری پیشاهنگ انقلابی آن، میسر است. آری، این فقط انقلاب ظفرنمون است که به جای این نظم کهن برپا شده توسط ارتجاع و امپریالیسم، نظم نوین را مستقر ساخته و راه را برای رسیدن به سرمنزل نهائی - رهائی و برابری کامل زنان و مردان فارغ از قید و بند ارتجاع و امپریالیسم - باز می کند.

سوی این رستاخیز ستمکشان، همه نسخه های دیگر قادر نیست تا با گذشتن از مرز تاریخی تقسیم جامعه به ستمگر و ستمکش، مالکیت خصوصی بر وسائل تولید و ثروت اجتماعی و اثرات زیانمند تقسیم کار اجتماعی؛ راه را به سوی سرزمین آزادی و برابری زنان و مردان بگشاید.

رهائی بشریت مُعَذَّب به طور کلی، بدون رهائی نیمه بشریت (زنان)، کامل نیست!

رهائی زنان، بدون رهائی همه ستمکشان، ممکن نیست!

گرامی باد یاد زنان کارگر مبارز و شجاع و مبارزات الهامبخش آنان!

مرگ بر فاشیسم طالبانی و امپریالیسم جهانی!

اتحاد مبارزاتی زنان و مردان تحت ستم کشور رمز پیروزی است!

سازمان مارکسیست - لنینیست افغانستان

۱۷ حوت ۱۴۰۰ش / ۰۸ مارچ ۲۰۲۲م